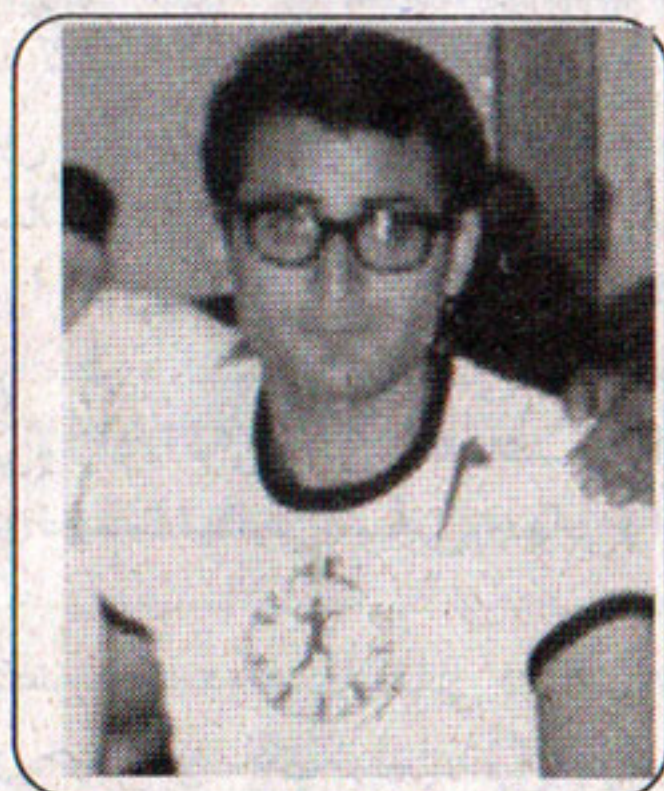


نجات صدها بیمار منتظر جراحی قلب، با ورزش - درمانی! (۱)



به همه نموده ایم فقط کالج جراحان ایران جواب ما را داد. البته نظام پزشکی محترم و مجله توانبخشی دانشگاه تهران تعدادی از مقالات ما را چاپ کردند ولی باید قاطع تر عمل شود.

از مسئولان تقاضا دارم برای جلوگیری از خروج «ارز مملکت»، از حمایت کنند تا بتوانیم این اندیشه را توسعه بدهیم چون زندگی مدرن شهری با ورزش علمی سازنده و بالا برنده پروتئین های خون است. بدیهی است اگر پروتئین «HEAT SHOAK» کم شود، سکنه قلبی در انتظار است و اگر پروتئین «J-L-U-T4» کم شود، مرض قند در انتظار است. اینجاست که تحقیقا بخش ژنتیک ایران می تواند کمک به توسعه کار ما بکند.

ما توانسته ایم ۱۰۰۰ بیمار کرونری و ۱۸ مورد کار دیو مینوپاتی (کاندیدای پیوند قلب) را به طور کامل طی ۱۰ سال درمان نماییم. از طرفی

دکتر جواد ملکی در کنار مرحوم جلال آل احمد، یکی از اقوامش

قدر مسلم اگر دکتر محمد جواد ملکی به صورت حرفه ای و در سطح قهرمانی کشور و دانشگاهها و الیبال بازی نکرده بود، نمی توانست مبدع و بنیانگذار مقوله ای بکر و ناشناخته به اسم طب «ورزش-درمانی» بدون عمل جراحی برای بیماران قلبی، عروقی، مفاصلی، دیابتی و... باشد تا مانع از رفتن بیماران قلبی و عروقی به زیر تیغ جراحی گردد. تحقیقا اگر دکتر ملکی جراح فوق تخصص قلب، ریه و عروق نبود و چند سال در آمریکا و کانادا جراحی نکرده بود، کسی این فکر و اندیشه را که می شود بدون عمل جراحی قلب و با «ورزش-درمانی» بیماران قلبی و عروقی را درمان کرد، از ایشان نمی پذیرفت. آفرین به همت و تلاش دکتر ملکی که درآمدهای کلان جراحی را در داخل و خارج رها کرد و با اخذ صدها برابر کمتر از هزینه های یک عمل جراحی قلب، حدود ۱۰۰۰ بیمار قلبی و عروقی و ۱۸ مورد بیمار کاندیدای پیوند قلب را طی نزدیک به ده سال گذشته نجات داد و نگذاشت آنها زیر تیغ جراحی بروند. دکتر ملکی در خلال صحبت هایش گفت: در حال حاضر ۳ میلیون بیمار کرونری (جراحی قلب)، ۲۵۰ هزار نفر در لیست پیوند قلب و ۶ میلیون بیمار دیابتی داریم. قدر مسلم اگر مقوله ناشناخته «ورزش-درمانی» در جامعه نهادینه شود، هم ایجاد شغل خواهد شد و هم جلوی خروج میلیارد ها دلار ارز که بخشی از آن صرف خرید تجهیزات پزشکی می شود، گرفته خواهد شد.

ده روز قبل به کلینیک دکتر ملکی واقع در تقاطع آفریقا-جهان کودک رفتیم. در بین مریض های ایشان دو پزشک متخصص ۶۴ و ۶۵ ساله یکی فلج شده و دیگری در آستانه قطع عضو تحت درمان «ورزش علمی» در آستانه بهبودی قرار داشتند. علاوه بر دو بیمار ذکر شده، دو خانم ۳۴ و ۳۶ ساله یکی با داشتن سه فرزند دانشجو از آغاچاری و دیگری معلم ریاضی بعد از زایمان دو فرزند دوقلو هر دو کاندیدا و در انتظار پیوند قلب در خارج بودند که در کلینیک دکتر ملکی به گونه ای با «ورزش-درمانی» معالجه شدند که تحرک جسمی آنها مافوق هم سن و سال های خودشان شده است. می نشینیم پای صحبت های دکتر ملکی. ■ جعفر محتشمی-عکاس: حاج اسماعیل زرافشان

که جان خودشان را برای امنیت این مملکت فدا کردند.

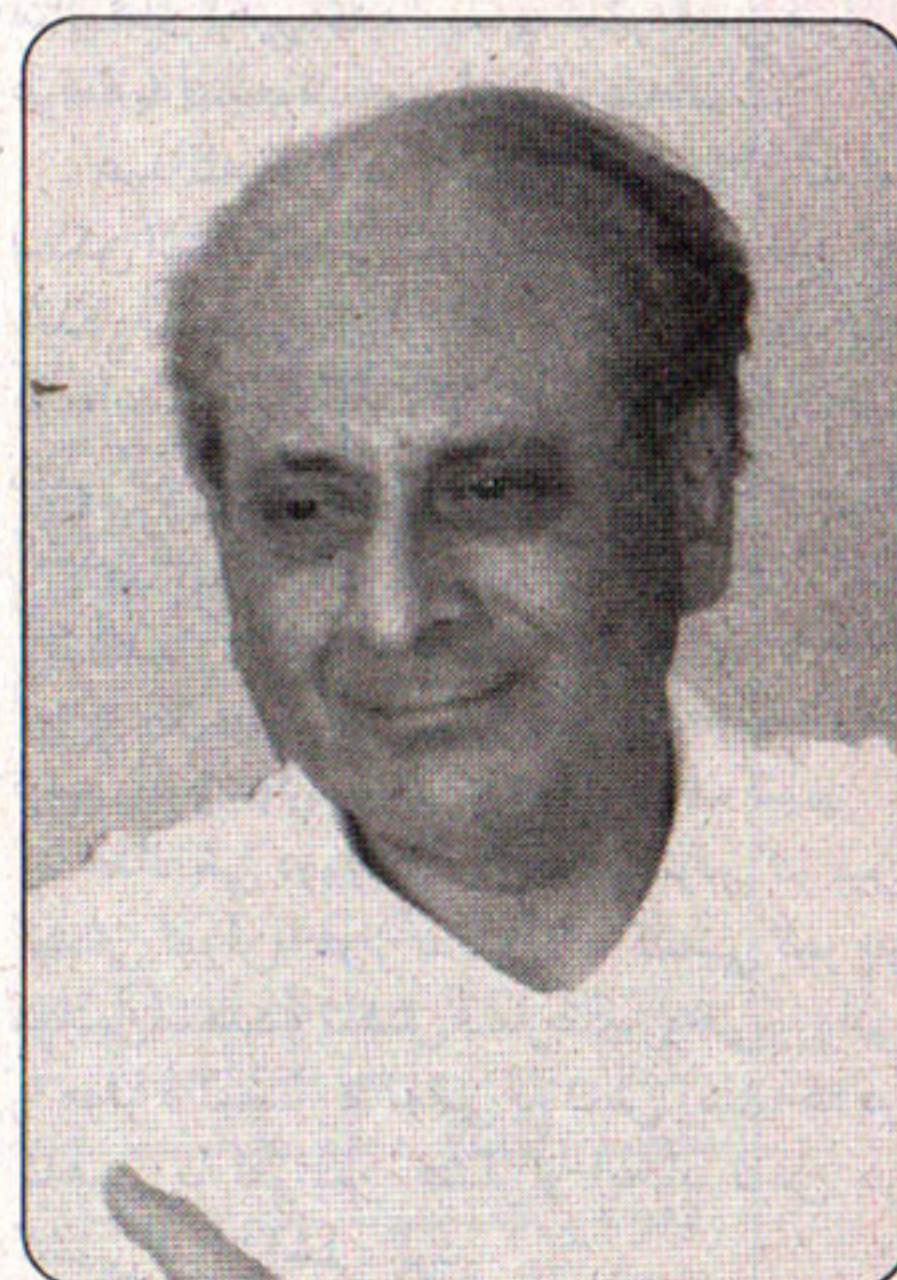
این را بگویم که من خودم را مدیون همسرم می دانم. باور بفرمائید اگر کمک های مادی و حمایت های معنوی و خالصانه ایشان نبود، من قادر به راه اندازی این کلینیک نبودم.

■ در چه مقطعی عمل کرونری (جراحی قلب) را کنار گذاشتید؟

- سال ۲۶ جراحی را کنار گذاشتم، چون اعتقاد پیدا کردم یک بیمار قلبی همه عروق و سیستم بدنش گرفتار می شود که در زمان ناراحتی قلبی نمودار می شود و به این نتیجه رسیدم که از طریق ورزش صحیح علمی، موجبات جابجایی پروتئین های بدن در سطح کروموزوم جابجا می شود و ایجاد «عروق جانبی فراوان» در همه بدن از جمله در عروق قلبی می کند. در حال حاضر ۳ میلیون بیمار کرونری جراحی قلب، ۲۵۰ هزار در لیست پیوند قلب و ۶ میلیون بیمار دیابتی داریم. بیماری دیابت یک بیماری عروقی است که به تدریج چشم ها، کلیه ها، قلب و تمام عروق بدن را گرفتار می نماید. درمان تمام این دردها با ورزش علمی همراه با دارو، هم درمان است و هم پیشگیری کننده، هزینه آن در مقابل یک پیوند کلیه یا پیوند قلب یا جراحی قرنیه ۱۰۰ هزار، به یک است! به همین سبب در این شرایط نقش سازمان تربیت بدنی و وزارت بهداشت و درمان بسیار مهم است تا به نفع مردم از این فکر و اندیشه طب «ورزش-درمانی» حمایت کنند.

■ چه انتظاری از مسئولان دارید؟

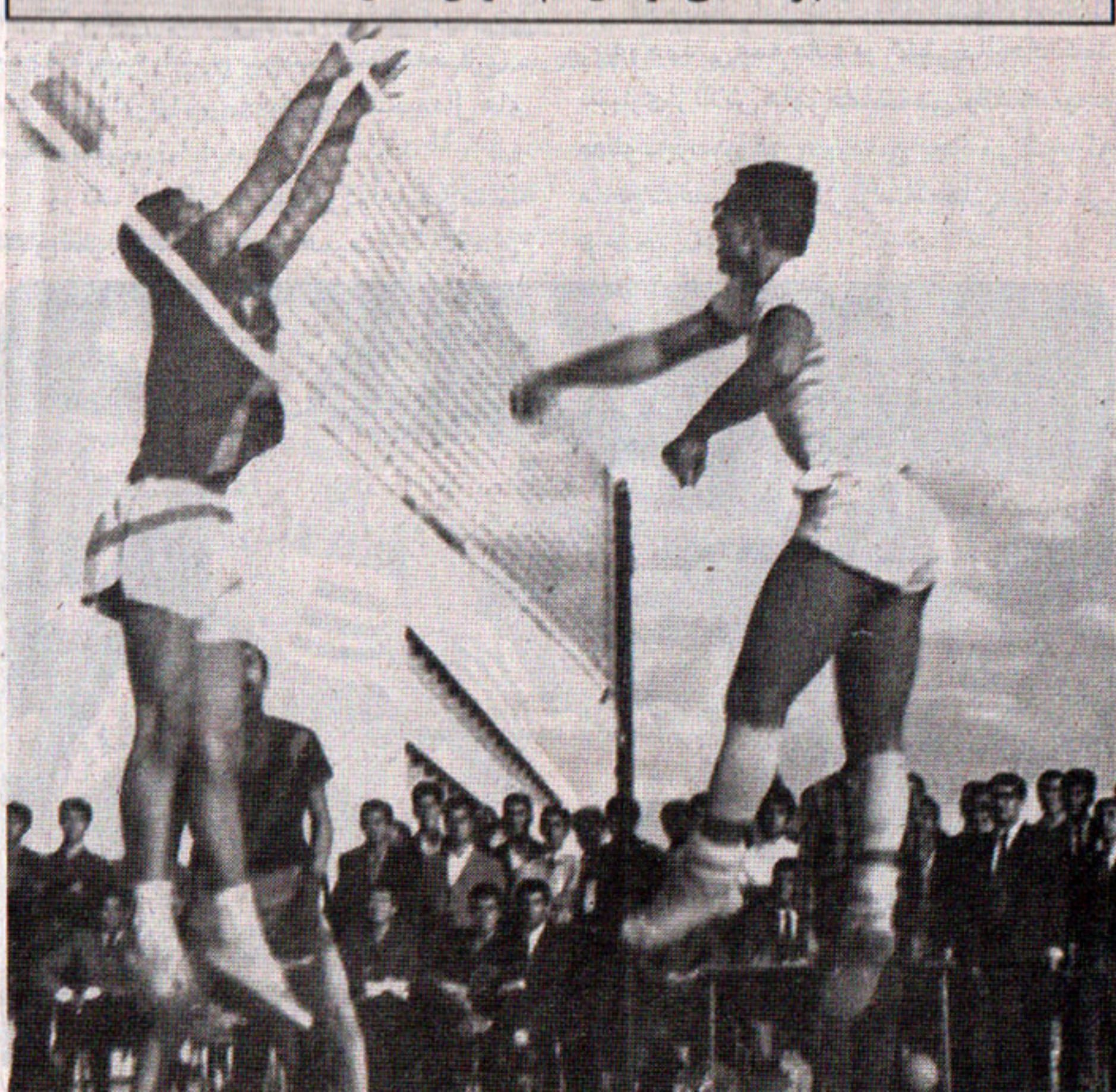
- حالا که ما این علم را فهمیده ایم، انتظار دارم دو ارگان مذکور موجبات توسعه و گسترش آن را در سطح مملکت فراهم کنند. مانامه نگاری



■ شما با تخصصی که دارید، می توانستید همچنان در آمریکا و کانادا بمانید و با جراحی قلب ثروت اندوزی کنید، یا می توانستید با بهره گیری از جایگاه فوق تخصصی تان با جراحی های عمل باز قلب پول پارو کنید؛ چی شد که یک مرتبه جراحی را رها کردید؟

- همیشه در این فکر بودم که بیماران قلبی و عروقی را بدون عمل جراحی معالجه کنم، تا این که در ایام جنگ به ایران برگشتم و به جبهه ها رفتم و توفیق این را داشتم که با کمترین امکانات پزشکی دسته گل های زیادی از نوجوانان و جوانان رزمنده را جراحی کنم. خیلی از آنها زیر عمل پرپر و شهید شدند. صحبت که به اینجا رسید، دکتر

- جواد ملکی در حال اسپک زدن (سال ۱۳۴۸)





جواد ملکی (x) در سال ۱۳۴۷ قبل از پیکار با تیم دخانیات در استادبوم باغشمال تبریز در جمع تیم منتخب استان آذربایجان شرقی

علم جدید بیولوژی مولکولی (ریبوپولوژی) پروتئین به نام تلومر) که همان سلول بنیادی است، فقط در اثر ورزش علمی خبردهنده فشار خون، مرض قند و استرس ها به داخل کروموزوم است. در حقیقت سلول های بنیادی با تلومرها خبردهنده تمام اتفاقات به داخل کروموزوم بوده که ۲۰ اسید آمینه ۶۳ کدرا در سطح کروموزوم می تواند فعال نماید و این، تحکیم دهنده مدعای ماست. هر چه قدر با ورزش علمی تلومرها را بلندتر نماییم، طول عمر ما بیشتر است و اندازه گیری تلومری می تواند ثابت کننده باشد. این را بگویم که طی چند سال گذشته بسیاری از چهره های صاحبنام عرصه ورزش بیمار من بودند که الحمدلله همگی بهبودی پیدا کردند. لزومی ندارد اسم ببرم، فقط در مورد آقای احدبرنجی، یکی از پیشکسوتان دوومیدانی بگویم که موقعی که آقای صالحی، یکی دیگر از مربیان پیشکسوت کشتی ایشان را به اینجا آورد، قادر به راه رفتن نبود و سکنه مغزی کرده بود. الحمدلله بعد از چند ماه تمرین ورزشی همراه با مصرف دارو خوب شد و راه افتاد. دوستم آقای شیرگیر رئیس کمیته مربیان کشتی چندسال قبل کمی ناراحتی قلبی داشت ولی در حال حاضر مرتب به اینجایم آید و ورزش می کند. آقای یزدانی خرم رئیس محترم فدراسیون کشتی هم متأسفانه سه هفته قبل سکنه خفیف سوم را در مشهد مقدس کرد! دو سه جلسه به اینجا آمده دیگه نیامد! من به پسرش زنگ زدم گفتیم که وضع پدرش خطرناک است. چون یک بار «عمل باز قلب» کرده است باید به اینجا بیاید. در حال حاضر مادر آقای حمیدسوریان که ناراحتی شدید قلبی و عروقی و دیابت شدید دارد زیر نظر خودم روزهای زوج ویژه بانوان تحت درمان است که خیلی در معالجه اش پیشرفت حاصل شده است. آقای سوریان خیالش راحت شد. دیگه در تمرینات غیبت نمی کند!

■ دکتر ملکی در خلال صحبتهايش به کمک های همسرش اشاره کرد، به همین سبب قبل از انعکاس صحبت های جامع سال گذشته دکتر ملکی در اولین همایش «طب ورزشی» در جمع تعدادی از پیشکسوتان عرصه ورزش و دهها نفر از بانوان و آقایان که اغلب بیماران بهبود یافته ایشان بودند، در حسینیه ارشاد با خانم سیما علی میرزائی همسر فداکار دکتر ملکی صحبت کردم و از

ایشان خواستم تا در مورد چگونگی راه اندازی اولین کلینیک «طبی- ورزشی» و خدمات شوهرش صحبت کند. ایشان گفت: کار انسانی و خدمات شوهرم

البته قرار است با کمک دکتر هادی موذن، مشاور عالی و مدیر کل شهرداری تهران چند شعبه در تهران بزنیم. ایشان به کار کلینیک آگاهی دارد. شعبه اول آن میدان هروی خواهد بود.

دکتر محمد جواد ملکی:
 - ورزش، فلسفه و بالاترین علم دنیاست.
 - درمان گرفتگی رگ های قلب، جراحی نیست، با ورزش علمی و طبی، درمان حاصل می شود.
 - درمان «بیماران کرونری» در انتظار عمل جراحی قلب، برای ما مثل آب خوردن است!
 مسئولان از این علم و اندیشه حمایت نمی کنند. باید این علم ناشناخته که یک معجزه است، جهانی گردد.
 - نزدیک به ده میلیون بیمار قلبی، عروقی، دیابتی و پیوند قلبی داریم که با «ورزش- درمانی» معالجه می شوند.
 با عنایت خداوند متعال توانسته ام نزدیک به ۱۰۰۰ بیمار با گرفتگی عروق و ۱۸ بیمار کاندیدای پیوند قلب را به وسیله طب ورزشی درمان کنم.

سخنرانی دکتر ملکی در حسینیه ارشاد
 دکتر جواد ملکی سخنرانی خود را با ذکر این جمله شروع نمود و گفت: فکر کنم تیم ما به بهشت برود! چون بیش از ۹۰۰ بیمار قلبی را بدون عمل جراحی درمان کردن، کار ساده ای نیست و افزود: اصولاً مهمترین عامل در درمان، تفکر و شجاعت است که ما به آن اهمیت می دهیم و برای فرد خیلی ارزش قائل هستیم یعنی ما عاشق فرد می شویم، در اصطلاح پزشکی من یک فرد «بای من وال» هستم یعنی دو قطبی هستم! هم جراح هستم و هم پزشک داخلی، مشکلات جراحی را دقیق می دانم، روراست بگویم مرگ و میرهای ناشی از عمل جراحی قلب خیلی زیاد است چون جراحی پر از عوارض است مخصوصاً جراحی های بزرگ. جراحی قلب یکی از جراحی هایی است

در واقع تلفیقی از علم پزشکی با ورزش تلقی می شود و هنوز ناشناخته مانده است و افزود: ما در اینجا نه تابلوی تبلیغاتی داریم و نه در رسانه آگهی داریم، فقط روی زنگ کلینیک نوشته شده است: «دکتر ملکی» همین! خود مریض ها (مریض به مریض، اصطلاحاً سینه به سینه) مبلغ ما هستند و همین باعث استقبال روز افزون مردم از کلینیک ما شده است. ما پول زیادی از مریض ها نمی گیریم، پولی که می گیریم به اندازه یک شب «آی-سی-یو» نیست! انتظار داریم که مسئولان کمک کنند تا ما در قدم اول در تهران و در قدم های بعدی در سایر شهرستان ها شعبه داشته باشیم.

رژه ورزشکاران با پرچمداری جواد ملکی، دانشجوی رشته پزشکی در تبریز در یک همایش ورزشی



که عوارض آن خیلی زیادتر از سایر جراحی ها است چون عمل آن وسیع تر است لذا یکی از دلایل رویکرد ما به «طب ورزشی» همین مرگ و میرها بود و موفق هم شدیم. الهی شکر، ما معجزه آفریدیم، ما ۱۸ مریض را که کاندیدا و در آستانه پیوند قلب بودند، نجات دادیم، من پریشانی داشتم موقعیت و پرونده پزشکی آنها را بررسی (ریبوپولوژی) می کردم، با صدای بلند از خوشحالی گریه کردم، همسرم خودش را به من رساند و گفت: تو دیوانه نیستی؟! چرا، من دیوانه عشقم، با عشق و علم این عزیزان نجات پیدا کردند. «سی-دی» ها و مقالات ما موجود است. برای مادرمان طبی- ورزشی بیمارانی که در انتظار جراحی عمل باز (عمل کرونری) هستند، مثل آب خوردن شده است، متأسفانه بیماری قلبی به دلیل فقر حرکتی، شایع ترین بیماری در سطح جهان است. ۱۵ میلیون شهروند هندی طی یک قرن گذشته در اثر این بیماری فوت شدند. بالاترین مرگ و میر را از لحاظ بیماری کرونری هندی ها دارند. بعد از هندی ها چینی ها و بعد، روس ها، این آمار جهانی است. هندی ها در اثر فقر تغذیه، فقر فرهنگ، جمعیت زیاد، چینی ها در اثر مصرف سیگار که بیداد می کند و دست آخر روس ها در اثر مصرف مشروبات الکلی به این درد مبتلا هستند.

دکتر ملکی در بخشی دیگر از صحبت هایش گفت: ما دو بیمار فوق العاده جالب داریم که مصاحبه من با آنها در «سی-دی» موجود است این دو بیمار بعد از یک ماه و نیم درمان طبی- ورزشی در کلینیک ما روی ترمیم مسابقه دادند این معجزه نیست؟! ر کوردهای آنها در اختیار آقای اکبر تنها، یکی از پیشکسوتان و بازیکنان اسبق تیم ملی والیبالی (دستیار اینجانب) است که چگونگی آن را بیان خواهد نمود. من این ماه حدود چهل جزوه (پی پر) در مورد چگونگی پیوند قلب را دوباره خوانی و مرور کردم. شما در مورد پیوند قلب یک جمله ساده «پیوند قلب» را می شنوید. یک بیمار که آپاندیس عمل کند، یک ماه از درد نمی تواند راه برود، پیوند قلب یک افسانه است! ۵۰۰ میلیون تومان هزینه پیوند است و روزی یک میلیون تومان دارو! در این شرایط زندگی تبدیل به یک زندگی نباتی می شود! رکن ورزش روز به روز برای من با ۶۶ سال سن بالاتر می رود، من هر روز ورزش را بیشتر می کنم، مریض های من همه می دانند و می بینند که من چگونه ورزش می کنم، ۴/۵ صبح از خانه می زنم بیرون، بله، نمی خواهم زود بمیرم، نمی خواهم زود نابود شوم. نمی خواهم این جور «دولا، دولا» و باعصا از در وارد شوم! خیلی از بیماران من وقتی وارد مطب می شوند، دو نفر زیر کتف شان را می گیرند، چه فایده ای دارد اون زندگی؟ من می خواهم خوب ببینم، می خواهم غذا را خوب ببلعم، خوب عشق بورزم، چون یک ذره فلسفه پزشکی را یاد گرفته ام.